

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۱۷ سپتمبر ۲۰۱۱

در یادمان جانباختگان دهه شصت



هر زمان که تابستان فرا می‌رسد غمی و اندوهی بس جانکاه بر دل‌ها می‌نشیند. تابستان دهه شصت بود؛ دهه به راه اندازی حمام خون در میداین اعتراضی توسط گزمه داران سرمایه. جرثومه‌های فساد و تباهی و انگل صفتان، وحشیانه به جان هزاران انسان بی‌دفاع افتادند و تاریخ واقعی خود را با خون بهترین فرزندان این مرز و بوم نوشتند. به راستی که آن زمانه و آن دهه، فراموش شدنی نیست و نمی‌توان از یاد بُرد که چگونه عده‌ای از جانپان بشریت به‌همراه جریانات خیانتکاری همچون اکثریت و دیگر حامیان سرمایه کمر به نابودی مدافعان آزادی و آزادی‌خواهان در دهه شصت بستند. دهه‌ای که گرگان جمهوری اسلامی به‌منظور حفظ و حراست از "انقلاب" تقدیم شده‌شان، هزاران انسان را در دادگاه‌های فرمایشی و چند ثانیه‌ای به مرگ محکوم نمودند تا به‌قول خود چرخش "ضد انقلاب" را، از حرکت باز دارند. ضد انقلابیون حکومتی و دولتی و غیر دولتی و آن‌هم در صفی واحد، آوای به‌خون ریختن کمونیست‌ها، مبارزان، مخالفان و معترضان را سر دادند و در ادامه چنین سیاست

ارتجاعی تا توانستند در خیابان‌ها، کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان را به تور انداختند و تا توانستند دستگیر نمودند، تا توانستند بدن‌های‌شانرا در درون زندان‌های مخوف مثله نمودند و تا توانستند، کُشتند.

آری! جامعه ایران در تابستان سوزان دهه شصت شاهد دهشتناک‌ترین تحرکات ضد انقلابی، زندانبانان، شکنجه‌گران و منادیان سرمایه‌داری وابسته علیه زندانیان سیاسی در سیاه‌چال‌های رژیم جمهوری اسلامی بوده است؛ زندانیان سیاسی که جرم‌شان، دفاع از آزادی و به رسمیت شناختن پایه‌ترین مطالبات توده‌های ستمدیده بود. بیش از دو دهه است که از آن وقایع تلخ و تاریخی می‌گذرد. دهه و واقعه‌ای که یادآوری آن همراه با غم و اندوه است. روزها و خاطره‌هایی که دل هر انسان آزاده را می‌آزاراند و بر آن است تا روزی تاوان تمامی آن جنایات شنیع را باز پس گیرد. آن روزها و غم‌ها فراموش شدنی و از بین رفتنی نیست و خلاف مشاطه‌گران، "نادانان" و مخالفان امروزی جناح‌های رقیب دولتی و استحاله‌گران، نه می‌توان پرونده عاملان و آمران چنین جنایاتی را مختومه اعلام نمود و نه می‌توان هم‌کاران، بانیان و مسببین آنرا بخشید. به عبارتی حقیقی‌تر نمی‌توان سخن از حمایت و منفعت میلیون‌ها انسان رنج‌دیده را به‌میان آورد و در همان‌حال، سیاست ترحم و بخشش را در قبال مسببین به فلاکت کشاندن زندگانی کارگران و زحمت‌کشان و کُشت و کُشتار فرزندان‌شان را پیشه خود ساخت. رژیم جمهوری اسلامی به‌همراه همه دار و دسته‌های مرتکب جنایت شده‌اند و می‌باید مورد بازخواست قرار گیرند و به سزای اعمال ننگین‌شان برسند.

در یک کلام بخشش و فراموشی اعمال مجریان، مدافعان و هم‌کاران نظام در دهه شصت به‌معنای فراموشی و پشت پا زدن به آرمان جان‌باختگانی است که در برابر جانیان بشریت ایستادند و جان دادند تا خلق‌شان را سرافراز نمایند. اگر مدافعان نظام جمهوری اسلامی این‌روزها به تحریف جایگاه خود، مجریان و عاملان چنین جنایاتی می‌پردازند؛ اما با صراحت تمام باید اعلام نمود که تاریخ به ثبت رسیده را نمی‌توان جابه‌جا و از اذهان عمومی پاک نمود و خط‌بطلانی بر آن جنایات گسترده کشید.

مگر می‌توان فراموش نمود و بخشید؟ مدارا و آشتی در کار نیست و همه سردمداران نظام جمهوری اسلامی با هر جایگاه و مقامی، و همه مدافعان و هم‌کاران آنان در کُشت و کُشتار زندانیان سیاسی دهه شصت نقش داشتند و مقصراند و می‌باید مورد بازخواست و مواخذه قرار گیرند.

شکی در آن نیست که فراوان در وصف جنایت‌کاری‌های رژیم جمهوری اسلامی گفته‌اند و بسیاران، در حول و حوش کُشتار شکنجه‌گران و جلادان رژیم جمهوری اسلامی در درون زندان‌ها نوشته‌اند. باید گفت و زنده نگه داشت آن‌روزها را و در گوشه‌ای از تاریخ ایران حبس ننمود تا نسل‌های حال و آتی بدانند که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به یاری جریانات و عناصر مزدور، در حق بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها و آن‌هم در چهاردیواری‌های تحت کنترل و در غل و زنجیر، چه کرده‌اند.

البته ناگفته نماند که پوشه جنایات رژیم جمهوری اسلامی صرفاً به دهه شصت خلاصه نمی‌گردد و این رژیم از همان آغاز به‌قدرت رسیدنش و در تمامی دهه‌ها به جان کارگران و زحمت‌کشان، جوانان، دانش‌جویان و زنان افتاده و از همه افسار و صنف‌ها هزینه گرفته است. دلیل چنین اوضاع و سیاستی، به منفعت طبقه‌میرنده مربوط می‌شود؛ نمایان‌گر آن است که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به‌عنوان حافظان و نگهبانان سرمایه‌های جهانی و وظیفه‌ای جز به تباهی کشاندن زندگانی توده‌ها بر عهده نداشته - و ندارند - و هدف‌شان بر آن بوده - و است - تا با ارتکاب جنایت و بگیر و ببندها، و با اتخاذ سیاست‌های سرکوب‌گرانه، بر میادین متفاوت اعتراضی و مبارزاتی تسلط یابند و مانع هرگونه تحرکات مخالفت‌جویانه و رادیکال در درون جامعه گردند.

به بیانی زندان‌ها را به این دلیل در دهه شصت به خون کشیدند تا جامعه را مرعوب نمایند؛ به زندانیان سیاسی به این دلیل حمله نمودند تا مانع هرگونه تحریکات اعتراضی در چهاردیواری‌ها گردند؛ دسته دسته زندانیان سیاسی را اعدام نمودند و به گورهای دسته‌جمعی انداختند تا "آرامش" آتی خود را تضمین نمایند. باری، جمهوری اسلامی چنین کرد و مدافع تداوم و انجام چنین کاری است.

بدون شک والاترین گرامی‌داشت از جانب‌اختگان دهه شصت و همه دهه‌ها، در باور و پایداری به آرمان آنان نهفته می‌باشد. چرا که آنان بدون کمترین مماشات و مداراجویی با جانیان بشریت و آن‌هم در خفقات‌ترین دوران ایستادند و مرگ را به سخره گرفتند تا نهال انقلاب کارگران و زحمت‌کشان را آبیاری نمایند. بنابراین لازم و ضروری است تا جدا از افشاء و زنده نگه‌داشتن جنایات شگنجه‌گران و جلادان رژیم جمهوری اسلامی، بر نقش و کارکرد تمامی عاملان، دست اندرکاران و همکاران ریز و درشت چنین وقایع تلخ و تأسفباری تأکید نمود و با تمام وجود و توان، ماهیت درونی آنانرا بر ملا ساخت؛ چرا که جنبش‌های اعتراضی و جوانان باید بدانند، چه کسانی در آن‌دوران و در صف مقدم جبهه ضد انقلاب، به انقلاب و انقلابیون یورش آورده‌اند و هزاران کمونیست، مبارز و مخالف را از سر راه خود برداشتند؛ باید بدانند که گذشت زمان نه تنها بر درد و رنج‌های بی‌شمار هزاران مادر، پدر، برادر و خواهر و همه یاران جانب‌اختگان دهه شصت نه کاسته است بلکه همواره و همیشه زنده و تازه است.

یادشان گرامی باد!

۱۶ سپتامبر ۲۰۱۱

۲۵ شهریور [سنبله] ۱۳۹۰